

میرزا حسن رشدیه و مصائب فروش کتاب در عهد قاجار

دانشیار گروه ایران‌شناسی دانشگاه میبد | بهزاد کریمی

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی از دانشگاه میبد | روحیار کابله‌سوری

| ۱۴۸ - ۱۲۱ |

۱۲۱

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

چکیده: میرزا حسن رشدیه چهره‌ای شناخته‌شده در تاریخ معاصر ایران است. او از پیشگامان تأسیس مدارس نوین در ایران به حساب می‌آید و یک‌تنه انقلابی را در نوسازی آموزش در ایران رقم زد. زندگی و خاطرات او هم از سوی وابستگان به او و هم از طرف محققان تا حدی بررسی و واکاوی شده است. این نوشتار اما به جنبه‌ای کمترشناخته‌شده از زندگی او پرداخته است. رشدیه در کنار مدیریت مدارس مختلف، از راه فروش کتاب هم کسب درآمد می‌کرد و بخشی از هزینه‌های مدارس را به این ترتیب پوشش می‌داد؛ اما همیشه کارها آن‌طور که باید پیش نمی‌رفت و مشکلاتی در کار بود. بررسی اسناد بکر و بررسی نشده قضایی نشان می‌دهد رشدیه شکایتی را از یک کلاهبرداری در فروش کتاب‌هایش در عدلیه ثبت و پیگیری کرده است. این نوشتار، راوی مستند این ماجراست که در جای خود تأمل‌برانگیز است و نشان می‌دهد که پیشبرد کارهای خطیر فرهنگی در تاریخ معاصر ایران تا چه اندازه می‌توانست با سختی همراه باشد. منابع اصلی این نوشتار رونوشتی از پرونده رشدیه در آرشیو عدلیه است که برای نخستین بار در اینجا مجال انتشار یافته است. همچنین تلاش شده است افزون بر به دست دادن روایتی مختصر از این پرونده، بازنویسی و تصاویر گزیده‌ای از این اسناد برای اهداف پژوهشی در اختیار خوانندگان قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: حسن رشدیه، دوره قاجار، اسناد.

Mirzā Ḥasan Rushdiyyih and the Hardships of Book Selling in the Qajar Era

Behzad Karimi

Rojiar Kableh-Suri

Abstract: Mirzā Ḥasan Rushdiyyih is a well-known figure in modern Iranian history. He is considered one of the pioneers in establishing modern schools in Iran and almost single-handedly initiated a revolution in modernizing education in the country. His life and memoirs have been explored to some extent by his relatives and by researchers. This article, however, focuses on a lesser-known aspect of his life. Alongside managing various schools, Rushdiyyih also earned income by selling books, using part of the proceeds to fund the schools. Yet things did not always proceed smoothly, and there were challenges. Examination of unique, previously unstudied judicial documents reveals that Rushdiyyih filed and pursued a legal complaint regarding a fraud involving the sale of his books. This article provides a documented account of this episode, which is thought-provoking in its own right, illustrating just how arduous advancing significant cultural projects could be in modern Iranian history. The primary sources for this study are copies of Rushdiyyih's case file in the archives of the judiciary (*adliyyah*), published here for the first time. In addition to presenting a brief narrative of this case, the article also offers transcriptions and selected images of these documents for scholarly use.

Keywords: Ḥasan Rushdiyyih, Qajar period, historical documents.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کلام آغازین

اواخر دهه ۸۰ خورشیدی بود که به لطف دوست گران قدرم، دکتر حسین زرینی رئیس وقت مرکز اسناد قوه قضائیه به پروژه‌ای پیوستم که هدف آن پایش و گزینش اسناد تاریخی عدلیه بود. این دوره کوتاه مدت برای من پر بود از لحظات ناب و تجربه‌های شگرف اکتشاف چیزی تازه از میان انبوه اسنادی که گاه صد سال از عمر آن‌ها می‌گذشت. حاصل این تلاش‌های جمعی در نهایت تبدیل به آرشیوی از اسناد تاریخی شد که قرار بر این بود در اختیار پژوهشگران قرار گیرد. باری، یکی از یادگارهای به جا مانده از آن دوران، روگرفت پرونده‌ای حقوقی است متعلق به میرزا حسن رشديه. چند سالی به دلیل نقل مکان و اشتغال به زخارف دنیوی، این پرونده در محاق فراموشی قرار گرفت تا این که انگیزه و علاقه مندی کمیاب یکی از دانشجویان کوشایم، سرکار خانم روجیار کابله‌سوری برای انجام پژوهشی سندمحور، باعث شد با همراهی او کار خوانش و بازنویسی اسناد را به سرانجام برسانم و بالاخره، ایام قرانتین کرونا فرصتی دیگر به دست داد تا در میانه مصائب ملت، گزارشی از مصیبت پرتکرار یکی از اهالی فرهنگ عهد قاجار را که هرچند با آشکالی دیگر همچنان تاکنون پابرجای مانده است به رشته تحریر درآورم. امید دارم این نوشتار نکاتی تازه برای خوانندگان فرهیخته این مجموعه به همراه داشته باشد.

در اهمیت اسناد

اسناد دعوای حقوقی رشديه به چند جهت حائز اهمیت تواند بود. اسناد عدلیه به تنهایی و بدون مراجعه به منابع دیگر، به طور عام نشانگر تحولات روندهای قضایی است، و به طور خاص در مقطع زمانی شکل‌گیری این پرونده در عهد احمدشاه قاجار حکایت از آن دارد که برخلاف کلیشه رایج که نوسازی نهاد قضا به توسط داور و از دوران رضاشاه آغازیدن گرفت، روندها و بوروکراسی قضایی در محاکم عرف به روندهای مدرن دست‌کم به لحاظ شکلی نزدیک شده بود. تلاش برای اصلاح تشکیلات و فرایندهای قضایی از زمان ناصرالدین شاه آغاز شد، و از همین زمان به مثابه یکی از خواسته‌های تقریباً همیشگی اصلاحگران در رساله‌ها، مکتوبات و نشریات مورد اشاره قرار گرفت و بالاخره در مجالس دوم و سوم مشروطه به همت میرزا حسن مشیرالدوله و سید حسن مدرس در «قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه» مصوب ۲۸ شوال ۱۳۲۸ و «اصول محاکمات حقوقی» مصوب رمضان و ذی‌قعدة ۱۳۲۹ چهره بست. مطالعات چندی در باب این تحولات صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد در غیاب اسناد عدلیه، پژوهش‌ها در این زمینه ابتر است و بیشتر در سطح نظریه‌پردازی و گمانه‌زنی متوقف مانده است،

زیرا این اسناد است که به روشنی مواجهه قوانین را با اقتضائات عملی و واقعی زندگی باز می‌نمایاند. ثبت شکایت در قالب فرم‌های یکپارچه، فرایند تعیین وکیل، صدور احضاریه، اختاریه و حکم و تعیین مراتب دادگاه شامل دادگاه بدایت، استیناف و تمیز در چارچوب‌های مشخص و امروزی از جمله شاخصه‌های روشن اصلاحات قضایی در دوره مورد بحث است؛ دیگر نکته مهم این است که این فرایندها همگی ارجاع به کدهای حقوقی پیش‌گفته از جمله درباره این اسناد، «اصول محاکمات حقوقی» دارد و همین اصول بعدها به هنگام اصلاحات قضایی عصر پهلوی اول مبنای تدوین «آئین دادرسی مدنی» قرار گرفت. جالب توجه است که با وجود این سازوکارها، همچنان محاضر شرع در عرض محاکم عرف مرجعیت داشتند؛ از جمله این که پذیرش آرای محاکم شرع در محاکم عرف و احاله دعوای ثبت شده در محاکم عرف به محاکم شرع در «اصول محاکمات حقوقی» پیش‌بینی شده بود؛ نکته شایان توجه این است که در این جا تفکیک محاکم عرف از محاضر شرع را نباید با تفکیک مدرن از نوع غربی‌اش یکسان انگاشت، زیرا در نهایت محاکم عرف در عهد قاجار به لحاظ قانونی و اجرایی تحت سیطره شریعت قرار داشتند و شاید بهتر است این محاکم را برای پرهیز از این خلط، محاکم حکومت و محاکم روحانیت بنامیم. این روند تنها تا دوره رضاشاه می‌پاید و محاکم شرع یا روحانیت پس از نوسازی نهاد قضا به طور کلی مضمحل شدند که خود داستانی دیگر است.

اسناد عدلیه همچنین به لحاظ شناخت شخصیت‌های تاریخ معاصر، مهم است. این به‌ویژه به دلیل الزام مدعی یا مدعی علیه برای ارائه اطلاعات شخصی در قالب فرم‌های مشخصی همچون وکالت‌نامه‌ها و احضاریه‌هاست. اظهارات مکتوبی مانند نام دقیق شخص و شهرت، نام پدر، شغل و محل سکونت از مهم‌ترین این اطلاعات است؛ این قبیل داده‌ها به لحاظ اجتماعی و اقتصادی نیز حائز اهمیت است. فارغ از این مسائل که کمابیش به طور عمومی مربوط به کلیت اسناد عدلیه، به طور خاص اسناد موجود در این پرونده است، جزئیات دعوای حقوقی رشدیه به لحاظ شناخت کتاب‌ها و جزوات آموزشی رایج در مکتب‌خانه‌ها و مدارس نوین در اواخر عصر قاجار نیز قابل تأمل است.

گزارش اسناد

نقطه آغازین دعوای حقوقی رشدیه در این پرونده را می‌توان ۱۲ شوال ۱۳۳۵، مقارن با تقدیم عرض حال وکیل رشدیه به محکمه صلحیه سنگلج تهران دانست. پیش از آن رشدیه به عنوان مدعی طی وکالت‌نامه‌ای به تاریخ ۱۱ شوال ۱۳۳۵ مطابق با سال ۱۲۹۶ خورشیدی شیخ محمدتقی

كمراهی را در دعوای بین خودش و میرزاعلی، مدیر روزنامه جارچی ملت و شریک او، سیدحسین وکالت تام داده است. موضوع دعوا در همین وکالت نامه «استرداد یک مقدار کتاب امانتی» قید شده است. وکالت تام را از این رو به کار برده ایم، زیرا رشديه همه حقوقی را که یک وکیل می تواند داشته باشد از جمله حق محاکمه در بدایت (دادگاه بدوی)، حق استیناف (تجدیدنظر)، حق استدعای تمیز (درخواست طرح موضوع در دیوان عالی)، حق وکالت در توکیل، حق تعیین مصدق، حق انتخاب حکم، حق تعیین محضر شرع، حق صلح و حق نسبت جعلیت به سند طرف مقابل را به كمراهی واگذار کرده است. شیخ محمدتقی كمراهی برای ما شناخته نشد، اما طرف دعوای رشديه یعنی میرزاعلی و سیدحسین آن چنان که در اسناد به دفعات مورد اشاره قرار گرفته، هر دو از مدیران و گردانندگان روزنامه جارچی ملت بودند. این هر دو به ویژه سیدحسین که گویا در عصر پهلوی اول شهرت ابراهیم زاده را برای خود برگزید در تاریخ مطبوعات عصر مشروطه نسبتاً اسم و رسمی برای خود داشتند. سیدحسین همچنین با رشديه نسبت خانوادگی داشت و برادر همسر اول رشديه بود، بنابراین - گرچه (علویه رشديه) همسر رشديه و خواهر سیدحسین در ۱۳۳۲ ق درگذشته بود - احتمال زمینه سازی اختلافات خانوادگی در طرح این دعوای حقوقی از سوی رشديه منتفی نیست؛ الله اعلم. طرف اصلی دعوا، میرزاعلی - یا چنان که از اثر مهر او برمی آید: «علی اکبر» - در سواد وکالت نامه ای که در تاریخ ۲۶ شوال ۱۳۳۵ در صلحیه دروازه قزوین تنظیم شده و طی آن وکیل مدعی علیه تعیین شده است، «آقامیرزاعلی، تاجر کتاب فروش» و فرزند «آقامیرزا حسین سقط فروش خوانساری» خوانده شده است؛ همچنین از محتویات روزنامه جارچی ملت می دانیم که او بعدها در عصر پهلوی اول شهرت حسین زاده را برای خود برگزید. هویت وکیل برگزیده مدعی علیهما یعنی محمود مدیرالاسلام نوری را درنیافتیم؛ به احتمال او از منسوبان آقا سیدحسین مدیرالاسلام بروجردی از نمایندگان مجلس اول مشروطه باید باشد، زیرا در اثر مهر او پسوند «بروجردی» هم دیده می شود. در این جا بد نیست به جهت آشنایی با مقام و منزلت اجتماعی طرف دعوای رشديه به طور گذرا شرحی هم در باب روزنامه جارچی ملت آورده شود. این روزنامه از جمله روزنامه های مشروطه خواه بود که پس از استبداد صغیر به طور مشخص از سال ۱۲۳۸ ق به مدت چهار سال به مدیر مسئولی سیدحسین ابراهیم زاده منتشر شد. بررسی محتوای روزنامه در چهار سال مدیریت ابراهیم زاده نشان می دهد که آن رویکرد بسیار تندی نسبت به محمدعلی شاه، استبداد و فساد داشت و بارها در این دوران توقیف و حتی ابراهیم زاده دستگیر شد. دوره دوم روزنامه با مدیریت علی حسین زاده مشخص می شود که گرچه سیدحسین همچنان از گردانندگان آن به شمار

می‌رود، اما مثنی آن نسبتاً متعادل می‌شود. دوره سوم یا آخر فعالیت روزنامه با مدیریت میرزاعلی نوایی همراه است. بررسی‌ها حکایت از این دارد که آخرین شماره‌های این روزنامه در سال ۱۳۰۶ خورشیدی منتشر شده است. شعار اصلی این روزنامه در دوره اول، حمایت بی‌چون و چرا از مشروطه بود که در شعر سرلوحه آن خودنمایی می‌کرد: «مشروطه نگه‌دار که مشروطه نکوست/هم لایق دشمن است و هم لایق دوست». باری بهر روی، طبق عرض حال موکل رشديه، میرزاعلی و سیدحسین در اول ذی حجه ۱۳۲۹ طبق یک صورت مهور به مهر مدعی‌علیهما که در این فهرست «این خادمان معارف» خوانده شده‌اند و با توجه به ضمیر اشاره «این»، خودشان چنین لقبی به خود داده‌اند، تعداد ۲۵۱۴ جلد کتاب آموزشی مدارس از کتابخانه مدرسه حیات جاوید که رشديه مدیریت آن را بر عهده داشت، امانت می‌گیرند تا به فروش برسانند و وجه آن را پس از کسر «حق‌العمل» فروش بالمناصفه به رشديه بپردازند. آن چه درباره مدرسه حیات جاوید شایان توجه تواند بود، دولت مستعجل آن بود که به شهادت منابع تنها سه ماه پایید و در اثر برخی دشمنی‌ها و تعصبات نسبت به روش رشديه در مدرسه داری که او پیش از این آن را در آذربایجان تجربه کرده بود، در هجومی خشونت‌بار تعطیل شد. باری، در ادامه سخن از فهرست یادشده، طی یادداشت افزوده‌ای در پایان آن به تاریخ محرم ۱۳۲۹، به احتمال قوی خود رشديه اظهار داشته است تعداد ۱۰۰ جلد از دو عنوان کتاب از «خانه» و از محل کتابخانه شخصی تحویل این دو نفر داده شده است. این فهرست جزئیات جالب دیگری هم دارد از جمله این که هزینه حق‌العمل در «کوچه» یا همان با استعلام از بازار تعیین شده است. قیمت مدعابه در ورقه عرض حال ۲۴۰ تومان ذکر شده است که با توجه به زمان طرح دعوا قابل توجه بوده است؛ نکته قابل تأمل دیگری که در همین ورقه جلب توجه می‌کند اشاره به شغل رسمی رشديه به عنوان «مفتش وزارت معارف» است که شاید درباره این شخصیت فرهنگی کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد. به هرجهت، با عنایت به این که مهلتی در رسید تحویل جهت فروش یا استرداد کتاب‌ها تعیین نشده بود، محملی برای اختلاف آماده می‌شود که نتیجتاً پس از ۷ سال شکایت رشديه را در پی دارد. به دیگر سخن، رشديه پس از ۷ سال صبوری و مذاکره ناکام با برادر همسر و شریک او برای بازگرداندن عین مدعابه یا اخذ وجه آن، دست به دامن دادگاه می‌شود. رشديه با توجه به این که احتمال می‌داد صلاحیت او از حیث تملک کتب کتابخانه مدرسه حیات جاوید از سوی دادگاه به پرسش گرفته شود، سندی به مدارک مثبت خود ضمیمه کرده است، مؤید تأیید تملک او بر کتابخانه مدرسه مزبور که به تاریخ ۷ برج ثور ثیلان ایل ۱۳۳۵ از سوی دایره کاغذ وابسته به اداره فرهنگ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه صادر شده است. طبق ماده ۲۰۴ اصول

محاکمات حقوقی، دادگاه می‌بایست طی دو نوبت برای مدعی علیه ورقه احضاریه حقوقی صادر کند و طی آن ضمن معرفی مدعی، خلاصه‌ای از مدعایه و زمان و مکان برگزاری دادگاه ابلاغ شود. در این پرونده سه احضاریه داریم؛ یک احضاریه نوبت اول که به تاریخ ۱۳ شوال ۱۳۳۵ صادر شده است و طی آن دو نفر یعنی میرزاعلی و سیدحسین به عنوان مدعی علیه معرفی شده‌اند. از محتویات این ورقه همچنین درمی‌یابیم که زمان برگزاری دادگاه ۲۷ شوال همان سال دو ساعت به ظهر تعیین شده بود. این احضاریه به‌توسط مأمور دادگاه کمی پیش از موعد دادگاه به رؤیت میرزاعلی و سیدحسین رسیده است، زیرا امضاء این هر دو را همراه با عباراتی دال بر حضور در وقت دادگاه در بر دارد. وجود احضاریه ثانوی به خودی خود نشان می‌دهد دادگاه در روز ۲۷ شوال به احتمال زیاد به دلیل عدم حضور مدعی علیهما تشکیل نشده است؛ احتمال دیگری هم از نظر دور نیست و آن این‌که وکلای مدعی و مدعی علیهما از طرف آن‌ها در جلسات استنطاق دادگاه شرکت کرده باشند؛ در واقع می‌توان خوشبینانه این‌طور اظهار نظر کرد که چندین جلسه استماع برگزار شده است. به‌رروی، احضاریه‌های نوبت ثانی در دو ورقه جداگانه برای دو مدعی علیه صادر شده است. ورقه مخصوص سیدحسین تاریخ ۲۹ شوال ۱۳۳۵ را دارد که در هامش آن سیدحسین با مهر و امضاء تصریح می‌کند وکیلش در ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۵ یعنی در موعد دوم به محکمه حاضر خواهد شد، اما طی اخطاریه‌ای که به لحاظ حقوقی پس از احضاریه صادر می‌شد و تاریخ ۸ ذی‌حجه ۱۳۳۵ را داراست، دادگاه مجدداً نسبت به حضور مدعی علیه در دادگاه که وقت آن را ۲۳ ذی‌حجه ۱۳۳۵ تعیین کرده بود اصرار ورزیده است. جالب است بدانید که این دادگاه هم یا تشکیل نشده است یا آن‌که وکیل مدعی علیه از طرف او در آن حاضر شده است. اما این پایان ماجرا نیست، زیرا احضاریه نوبت دوم میرزاعلی تاریخ ۵ محرم ۱۳۳۶ را بر پیشانی دارد و وقت دادگاه از نو، ۱۶ محرم ۱۳۳۶ مشخص شده است. از وجود اخطاریه دیگری که در پرونده موجود است اما به نکته جالب‌تری می‌رسیم؛ این اخطاریه خطاب به میرزاعلی است که به تاریخ ۵ ذی‌حجه ۱۳۳۶ صادر شده است، یعنی یازده ماه پس از تاریخ صدور احضاریه نوبت ثانی و هشت ماه پس از صدور حکم دادگاه بدایت که تفصیل آن در پی خواهد آمد.

از طریق دو نامه به تاریخ ۸ صفر ۱۳۳۶ که وکلای طرفین دعوا به دادگاه ارائه داده‌اند به جزئیات بیشتری درباره این پرونده پی می‌بریم. آن‌طور که محتوای دو نامه برمی‌آید وکیل میرزاعلی پنج ورقه شامل سه طغرا سیاهه و دو طغرا حواله تقدیم دادگاه می‌کند تا اثبات نماید بخشی از کتاب‌های امانتی و مقداری وجه نقد حاصل از فروش کتاب‌ها به رشیدی تحویل شده است.

کمره‌ای، وکیل رشديه در نامه خود توضیحاتی را ارائه می‌کند که بسی روشنگر است. مطابق این توضیحات سه فقره سیاهه اصولاً دارای مهر و امضای رشديه نبود و در عوض این فهرست‌ها ممهور به مهر مدرسه حیات جاوید و امضای پسر رشديه بوده است. وکیل رشديه مدعی است این سه فقره سیاهه جعلی است، زیرا اولاً، مدرسه حیات جاوید چنین مهری نداشته است و این مهر که بر آن عبارت «دفتر مدرسه حیات جاوید» نقش بسته ساخته آقاسیدحسین است؛ ثانیاً، این سه سیاهه امضای رشديه را ندارد و ثالثاً نام پسر رشديه در حواله مشخص نیست و اصولاً هویت روشنی ندارد. مدیرالاسلام نوری، وکیل میرزاعلی در مقابل ادعا دارد که مسئله کتاب‌های مدرسه حیات جاوید اصولاً مسئله‌ای حقیقی نبوده است که نیازی به امضای شخص رشديه داشته باشد و صرف مهر مدرسه به لحاظ حقوقی کفایت می‌کند؛ همچنین پسر رشديه در امور مدرسه «مدخلیت تام» داشته بود و امضای او به جای پدر رسمی و قانونی است. درباره دو حواله کتاب و کاغذ، وکیل رشديه چنین توضیح می‌دهد که یک فقره حواله که حواله ۵۰ جلد کتاب تبصره‌الصبيان بوده و قرار بود به آقاسیدمحمد کمره‌ای داده شود، خطاب به آقاسیدحسین، مفتش اداره مطبوعات به امضای رشديه رسیده و صحیح است و به همین دلیل از قیمت کتاب‌ها که سیصدتومان بوده مقدار شصت تومان کسر شده و ارزش مدعایه به دویست و چهل تومان رسیده است. در باب حواله دوم که حواله کاغذ است، اما وکیل رشديه توضیح دیگری دارد: این حواله نیز به نام آقاسیدحسین است اما مربوط به طلبی بوده که رشديه از وی داشت؛ همچنین سیدحسین این حواله را به میرزاعلی ارجاع داده است که مسئله‌ای است فی‌مابین این دو و ارتباطی به رشديه ندارد. نکته سومی که وکیل رشديه در رد ارتباط حواله کاغذ با این دعوا مطرح می‌کند این است که اگر حتی این فقره هم صحیح باشد ارزش آن شصت تومان، معادل مبلغ کسر شده از ارزش مدعایه نیست و این خود نشان می‌دهد این ادعا اساساً نادرست است. این دو نامه آخرین اسنادی است که از سوی طرفین دعوا به دادگاه ارائه شده است.

مجدالعلماء، رئیس محکمه صلیحیه سنگلج نهایتاً در تاریخ ۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ بر اساس محتویات پرونده اقدام به صدور حکم بدوی کرده است. مندرجات حکم، متضمن فقرات قابل توجهی است. اولاً، دادگاه صلاحیت رشديه را در طرح دعوا طبق شق سوم از ماده ۲۸۲ «اصول محاکمات حقوقی» به رسمیت شناخته است؛ این بدان معناست که تملک رشديه بر کتاب‌های کتابخانه مدرسه حیات جاوید به ظن قوی به پشتوانه گواهی وزارت معارف برای دادگاه مسجل شده بود. ثانیاً، درمی‌یابیم آقاسیدحسین ضمن اعتراف به صحت امضای فهرست اولیه، مدعای مدعی را می‌پذیرد؛ به دیگر سخن، او اذعان می‌کند نه کتاب‌ها را عودت

داده و نه وجه آن‌ها را به رشديه داده است. ثالثاً، رشديه شکايتش را نسبت به آقاسيد حسين پس می‌گیرد و ترجيح می‌دهد بیرون دادگاه با او مصالحه کند و بدین ترتیب دادگاه تنها درباره نصف مدعابه اقدام به صدور حکم کرده است. رابعاً، دادگاه در موضوع پنج ورقه ارائه شده یادشده از سوی میرزاعلی، استدلالات وکیل رشديه را می‌پذیرد و بار سه سیاهه تنها در باب دو حواله مذکور وارد بحث می‌شود. خامساً، دادگاه در موضوع دو حواله، نظر وکیل مدعی را مجدداً قبول می‌کند و در نهایت حکم به رد نصف عین مدعابه یا وجه آن می‌دهد و میرزاعلی را محکوم می‌کند. از جمله نکات قابل تأمل از حیث بوروکراسی قضایی این است که این حکم بسته نشده است! رشديه طبق نامه‌ای که در روز صدور حکم تقدیم دادگاه کرده است از ترک دعوا علیه آقاسيد حسين پشیمان می‌شود و این‌طور اظهار می‌دارد که او «به کلی یاغی شده از مصالحه متمرّد گردیده است» و هرچند در نهایت به صلح خواهند رسید، اما لازم است سید حسين به لحاظ قانونی تحت فشار قرار گیرد؛ فقره‌ای که باعث می‌شود هرچه بیشتر در این قضیه حق را به رشديه بدهیم و شرافت او را تصدیق کنیم در ادامه همین نامه جلوه‌گر شده است؛ او همچنین از قاضی درخواست می‌کند که قاضی حکم به رد عین مدعابه بدهد «زیرا رد عین اسهل از ادای قیمت است» و تحقیق شود که اگر کتاب‌ها از دست رفته است، دادگاه قضیه را به مصالحه طرفین واگذار کند تا «سخت‌گیری نشود»! به همین خاطر است که مجدالعماء ذیل حکم بدوی، سید حسين را چونان میرزاعلی محکوم کرده است. این محکومیت تنها در یک خط به تاریخ ۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ یعنی چهار روز پس از صدور حکم اصلی ثبت شده است. و باز جالب توجه است که ماجرای این دعوا ذیل همین حکم ادامه یافته است! دست خطی در هامش این حکم به تاریخ ۲۳ ربیع‌الاول ۳۶ داریم که متأسفانه مهر و امضای آن ناخواناست ولی به احتمال بسیار زیاد متعلق به مدیرالاسلام نوری است که تقاضای استیناف داده است؛ این ارزیابی از این‌روست که ذیل همین تقاضا در تاریخ ۲۷ ربیع‌الاول ۳۶ سید حسين با دست خط خود خبر از مصالحه با «حاجی مدیر» یعنی رشديه داده است! بدین ترتیب است که دعوای رشديه طبق اسناد موجود در این پرونده دست‌کم علیه سید حسين ختم می‌شود. اما آن‌چنان که گفتیم اختطاریه‌ای در پرونده به تاریخ ۵ ذی‌حجه ۱۳۳۶ خطاب به میرزاعلی داریم که نشان می‌دهد این دعوا پایان نگرفته بود. بررسی سایر اسناد، پرده از این ابهام برمی‌دارد، طبق سواد مصالحه‌نامه‌ای که به تاریخ ۱۸ ربیع‌الثانی ۳۶ به امضای رشديه رسیده است، درمی‌یابیم که او ترجیح داده است با میرزاعلی خارج از دادگاه به توافق برسد. چنان‌چه از مفاد این مصالحه‌نامه برمی‌آید طرفین متعهد می‌شوند که صلح کنند و دیگر علیه هم اقامه دعوا ننمایند؛ همچنین

رشدیه وکیل خود را از وکالت عزل می‌کند، زیرا دیگر نیازی به حضور او احساس نمی‌شد. اما آن‌طور که از نامه دایره اجرای عدلیه می‌فهمیم کمره‌ای، وکیل رشدیه از این مصالحه بی‌خبر بوده و شاید به دلایلی که نمی‌دانیم این مصالحه را رد می‌کند و پس از هفت ماه در تاریخ ۲۶ ذی‌قعدة ۳۶ از دادگاه تقاضای رسیدگی کرده است و مجدداً علماء در ۵ ذی‌حجه همان سال از دفتر محکمه می‌خواهد که طرفین برای رسیدگی به دادگاه احضار شوند و این همان روزی است که اختاریه‌گذاری برای میرزا علی صادر شده است. متأسفانه این ورقه اختاریه آخرین برگ این پرونده است و خبری از سرنوشت نهایی این دعوای حقوقی نداریم.

با توجه به اطلاعاتی که از زندگانی رشدیه در اختیار داریم، این دادگاه یا رویدادهایی شبیه به این در مقایسه با رنج‌های بزرگ‌تری که او در مسیر استقرار و تثبیت آموزش نوین کودکان این سرزمین متحمل آن‌ها شد، تقریباً هیچ بود.

بازنویسی اسناد پرونده میرزا حسن رشديه

[محل تمبر عدليه]

[برگ شمار عدليه: ۴۲-۸]

[مهر: ص ۱۲۹۶ هـ. ش. نمره: ۱۶۱۳]

محل تصدیق

[محل نشان شیروخورشید]

وکالت نامچه

موکل			وکیل		
اسم	شهرت	محل اقامت	اسم	شهرت	محل اقامت
حاج میرزا حسن رشديه	معارف	چهارسو چوبی دروازه قزوین	جناب آقا شیخ محمدتقی	کمره ئی	مدرسه حاج حسینعلی

اینجانب امضاءکننده ذیل وکیل شرعی خود قرار دادم جناب معظم مزبور در فوق را در خصوص گفتگوی بین اینجانب [،] موکل مزبور در فوق و جناب آقا میرزا علی [،] مدیر [روزنامه] جارچی ملت و آقا سید حسین [،] شریک او در موضوع استرداد یک مقدار کتاب امانتی [،] مطابق صورتی که به امضای مدعی علیه در دست وکیل است به مقتضای وکالت رفتار نماید [.]

حدود وکالت مشارالیه از قرار ذیل است . بدون استثنا - یا با استثنا

حق محاکمه در بدایت
حق استیناف
حق استدعای تمیز
حق وکالت در توکیل
حق تعیین مصدق
حق انتخاب حکم
حق تعیین محضر شرع
حق صلح
حق نسبت جعلیت به سند طرف مقابل

دارد
دارد
دارد
دارد
دارد
دارد
دارد
دارد
دارد

محل مهر و امضای موکل [حسن رشديه] [مهر: حسن بن مهدی رشديه]

به تاریخ ۱۱ شهر شوال [،] مطابق برج نیلان نیل ۱۳۳۵

موکل هر یک از فقرات فوق را که لازم نداند در مقابل تصریحا بنویسید [.]

وکیل باید قبل از دخالت در کار قرار نامه [،] حق الوکاله خود را تمبر شده به محکمه ارائه کند [.]

[ظهر سند: [مهر: دفتر صلحیه سنگلج / کارتون ۸ دوسیه/ نمره ۴۲-۲ [برگ شمار عدليه: ۵-۷۵-۹۶]

[سواد وکالت نامه]

[محل نشان شیروخورشید]

وزارت عدلیه اعظم

سواد [ندارد]

مورخه [ندارد]

نمره [ندارد]

ص[ناخوانا] ه.ش

[محل تمبر عدلیه]

[برگ شمار عدلیه: ۸-۴۲]

و بعداً در محضر امن شرع مطاع لازم الاتباع دارالخلافة تهران حضور بهم رسانید جناب عمده الاخیار والاعزّه آقامیرزا علی [،] تاجر کتاب فروش دام عژّه، نجل زکی مرحوم خلد مقام [،] آقامیرزا حسین سقط فروش خوانساری طاب ثراه و بعد الحضور [،] وکیل شرعی و نایب مناب خود قرار داد جناب مستطاب عمده الفضلا آقا شیخ محمود مدیرالاسلام نوری را در خصوص ادعای جناب آقامیرزا حسن رشديه که در محکمه صلیحیه سنگلج تظلم نموده اند [،] وکیل مزبور حضور بهم رسانید [؛] جواب مشارالیه را گفته [،] طی به ایقان نماید و تمامی مراتب وکالت را از استیناف و تمیز و ارجاع به محضر شرع و غیره سوای صلح که منوط است به رضایت و اطلاع موکل، مرقوم دارند [؛] توكیلاً [،] صحیحاً [،] شرعياً و کان وقوع ذلک الوکاله در تاریخ بیست و ششم شهر شوال المکرم فی شهر مطابق سنه ۱۳۳۵ (مهر علی اکبر) بسمه تعالی قد وقع التوکیل حسب فصل فیه لدی فی ۲۶ شوال ۱۳۳۵ (العبد محمد النجفی البروجردی) (مهر محمد بن علی الحسینی)

بسمه تعالی اعترف آقا میرزا علی بما رقم فی الورقه فی التوکیل لدی حرره الذیل فی ۲۶ شهر شوال المکرم ۱۳۳۵

(امضا شفیع الحسینی)

(مهر شفیع الحسینی)

[اثر مهر: صلحیه دروازه قزوین]

[ظهر سند: مهر: دفتر صلیحیه سنگلج/کارتون ۸ دوسیه/نمره ۴۲-۱] [برگ شمار عدلیه: ۹۶-۱۰/۲۰۴]

اصل این ورقه توسط دفتر تحویل اینجانب شده غره ربیع [الثانی] ۲ ۱۳۳۶ محمد [ناخوانا] [محل امضاء]

۱۳۲

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

[محل تمبر عدلیه]

[نشان شیروخورشید]

[مهر:] ص ۱۲۹۶ ه. ش. نمره ۳۹۱۹

[برگ شمار عدلیه:] ۸/۴۲

نمره ۳۹۵

ورقه عرض حال به دیوانخانه عدلیه

تاریخ	مدعی			قیمت مدعا به	مدعی علیه			راجع به محکمه
	اسم	شغل	محل اقامت		اسم	شغل	محل اقامت	
۱۳۳۵ ۱۲ شوال	حاج میرزا حسن	مفتش معارف	دروازه قزوین چهارسوق چوبی	تقریباً دویست و چهل تومان	آقامیرزا علی و آقاسید حسین ساکن خیابان معزالسلطان	روزنامه نویس جارچی ملت	خیابان ناصریه	صلحیه سنگلج

مدعا به

مشارالیهما مطابق یک طغری صورت که ضمیمه عرض حال تقدیم می شود از موکل بنده کتاب گرفتند که به فروش رسانیده وجه آن را برسانند تا این تاریخ نه وجه را داده اند و نه کتب را مسترد می دارند [۰]. از محکمه محترمه تقاضای احضار و رسیدگی و احقاق حق می نماید [۰]. توضیح آن که کتب مزبور مطابق صورت ممهور به مهر مدعا علیهما [۰]، بالمناصفه به عهده دو نفر است

[امضاء ناخوانا]

پذیرفته است

[ظهر سند:] پنجشنبه ۲۷ شوال دو [ساعت] به ظهر احضار اول [امضا ناخوانا]

شنبه ۱۶ محرم احضار ثانی سه [ساعت] به ظهر ارسال شد

[مهر:] دفتر صلحیه سنگلج / کارتون ۸ دوسیه / نمره ۴۲-۱

۵/۷۴-۹۶

۱۳۲۸

[برگ شمار عدليه: ۴۲-۸]

صورت كتب كه به تحويل اين خادمان معارف سيد حسين و ميرزا علي از كتابخانه مدرسه حيوه جاويد داده شده

۱۰	درس النحويه	۵	مدارج القراء (۳)	۶	مدارج القراء (۱)	۲	تسهيل التعليم
۵۰	بدايه التعليم (۱)	۱۲۹	قانون وزارت داخله	۱۴۸	بدايه التعليم	۷۸	جامع احمدی (۱)
۵۲	بدايه التعليم (۲)	۱۲۰	لغت حکمتان	۱	مفتاح السان	۶۹	صد درس
۶	تبصره الصبيان	۶۰	نهایه التعليم (۱)	۲۰۰	کفایه التعليم طبع جلد اول (۶)	۴۲	بدايه التعليم (۳)
۱	خلاصه الصرف	۴	قواعد الجليه (۱)	۴	قواعد الجليه (۲)	۱۰	قواعد الصرفيه
۲۰	بدايه التعليم (۲)	۲۶	بدايه التعليم طبع (۶)	۱	سياق دبیر خاقان	۱	شرعیات کوچک
۷۵	تبصره البيان	۷۵	نهایه التعليم (۱)	۲۰۰	تبصره البيان	۲۰۰	نهایه التعليم (۱)
۵	بدايه التعليم (۳)	۷۵	کفایه التعليم طبع (۶)	۷۵	بدايه التعليم (۲)	۷۵	بدايه التعليم (۱)

بقیه صورت صفحه مقابل که در این صفحه نوشته شده.

۵۰۰	بدايه التعليم نسخ	۴۴	منطق مدرسه ادب	۴۰	جغرافیای مدرسه ادب	۵	بدايه التعليم
-----	-------------------	----	----------------	----	--------------------	---	---------------

کلیه این کتاب ها نزد اینجانبان سید حسین و میرزا علی امانت است که بعد از فروش وجه او را بپردازیم به تاریخ غره ذی حجه الحرام ۱۳۲۸

بدایه نسخ ۵۰ [،] بدایه (۳) ۵۰ از خانه داده شد محرم ۱۳۲۹ [محل مهر سید حسین و میرزا علی] این قیمت که در صورت كتب نوشته شده است بدون حق العمل است [..] صحیح تعیین حق العمل در کوچه تعیین قیمت شده است [..] صحیح [امضاء ناخوانا]

[ظهر سند: [مهر: دفتر صلیحیه سنگلج / کارتون ۸ دوسیه/نمره ۳-۴۲]

۱۳۴

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

[پاكت نامه]

نمره ۲۳۰۳

(وزارت معارف و اوقاف و صنايع مستظرفه)
جناب مستطاب آقاى حاج ميرزا حسن رشديه

۱۳۵

آينه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تير ۱۴۰۴

تاريخ [۷]: ۷ برج ثور ثيلان ۱۳۳۵
ضميمه [۱]: [ندارد]

وزارت معارف و اوقاف و صنايع مستظرفه

اداره [۱]: كاغذ

دايره [۱]: فرهنگ

نمره [۱]: ۲۳۰۳

وزارت معارف تصديق مى كند كه كتابخانه مدرسه حيات جاويد و كتب آن متعلق به جناب مستطاب آقاى حاج ميرزا حسن رشديه [۱]: مدير مدرسه مزبوره است

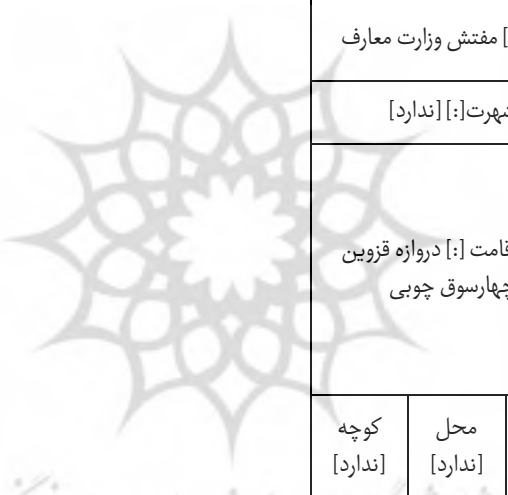
[محل مهر وزارت معارف]

[امضاء ناخوانا]

[ظهر سند]: [مهر]: دفتر صليحيه سنگلج كارتون ۸ دوسييه نمره ۱۴-۴۲

نمره [۱۱/۲۳]

محكمه [۱]: صلیحه شعبه [۲]: سنگلج [۳]: برگ شمار عدلیه: [۸/۴۲]

مورخه [۱۳:]: شهر شوال ۳۵			[محل نشان شیروخورشید] (ورقه احضاریه حقوقی)			نوبت [۱]: اول		
مدعی			مدعابه [به سیاق] دویست و چهل تومان			مدعی علیه		
اسم [۱]: حاج میرزا حسن پدر [۱]: [ندارد]						اسم [۱]: آقا میرزا علی و آقا سید حسین پدر [۱]: [ندارد]		
شغل [۱]: مفتش وزارت معارف						شغل [۱]: روزنامه نویس جارچی ملت		
شهرت [۱]: [ندارد]						شهرت [۱]: [ندارد]		
محل اقامت [۱]: دروازه قزوین چهارسوق چوبی						محل اقامت [۱]: ساکن خیابان معزالسلطان و خیابان ناصریه		
شهر [ندارد]	محل [ندارد]	کوچه [ندارد]	شهر [ندارد]	محل [ندارد]	کوچه [ندارد]	شهر [ندارد]	محل [ندارد]	کوچه [ندارد]
وقت حضور به محکمه روز پنجشنبه ۲۷ شهر شوال سنه ۱۳۳۵ دو ساعت به ظهر است [۱]. در صورت عدم حضور [۱] محکمه موافق مفهوم فقره اولی از ماده (۴۵۶) مندرجه ظهر ورقه اقدام خواهد نمود [۱]. [محل مهر صلیحه سنگلج] [هامش: ۱] یک طغرا سواد عرض حال [ناخوانا] رویت شد. در روز پنجشنبه ۲۷ حاضرم [محل مهر علی اکبر] وکیل این جانب در موقع مزبور به محکمه محترم حاضر خواهد شد [۱]. ۲۳ شوال المکرم [محل امضاء حسین] ۲۵ شهر شوال رد شد [امضاء: علی احقر]								
مامور احضار			تاریخ تبلیغ احضاریه			محل امضاگیرنده ورقه		

۱۳۶

آینه پژوهش | ۲۱۲
سال ۳۶ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۴

نمره [۱۲۷۵:]

محکمه [۱:] صلیحیه شعبه [۱:] سنگلج [۱:] بزرگ شمار عدلیه: [۸/۴۲]

مورخه [[: ۲۹ شهر شوال ۳۵			[محل نشان شیروخورشید] (ورقه احضاریه حقوقی)			نوبت [[: ثانی		
مدعی			مدعابه تقریباً [به سیاق] دویست و چهل تومان			مدعی علیه		
اسم [[: حاج میرزا حسن پدر [[: [ندارد]			به موجب شرح عرض حال و موضوع ادعاست			اسم [[: آقا سیدحسین پدر [[: [ندارد]		
شغل [[: مفتش معارف						شغل [[: روزنامه نویس		
شهرت [[: [ندارد]						شهرت [[: [ندارد]		
محل اقامت [[: دروازه قزوین چهارسوق چوبی						محل اقامت [[: ساکن خیابان معزالسلطان		
شهر [ندارد]	محل [ندارد]	کوچه [ندارد]				شهر [ندارد]	محل [ندارد]	کوچه [ندارد]
وقت حضور به محکمه روز چهارشنبه ۱۰ شهر ذی قعده سنه ۱۳۳۵ چهار ساعت به ظهر است [[: در صورت عدم حضور [[: محکمه موافق مفهوم فقره اولی از ماده (۴۵۶) مندرجه ظهر ورقه اقدام خواهد نمود [[: [محل مهر صلیحه سنگلج] [هامش:]: در یوم مزبور وکیل این جانب در محکمه محترمه حاضر می شود ۱ شهر ذی قعده [محل امضاء حسین] صحیح است ۱ ذی قعده تسلیم شد [امضاء: علی احقر]								
مامور احضار			تاریخ تبلیغ احضاریه			محل امضا گیرنده ورقه		

[ظهر سند] [مهر:] دفتر صلیحیه سنگلج / کارتون ۸ دوسیه / نمره ۷-۴۲

۱۳۷

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

نمره [۲۰۸۶:]

محكمه [۲:] صلیحیه شعبه [۲:] سنگلج [۲:] برك شمار عدلیه: [۲/۸]

مورخه [[: ۵ محرم ۳۶			[محل نشان شیروخورشید] (ورقه احضاریه حقوقی)			نوبت [[: ثانی		
مدعی			مدعابه تقریباً [به سیاق] دویست و چهل تومان			مدعی علیه		
اسم [[: حاج میرزا حسن پدر [[: [ندارد]						اسم [[: آقا میرزا علی پدر [[: [ندارد]		
شغل [[: مفتش وزارت معارف						شغل [[: روزنامه نویس		
شهرت [[: [ندارد]						شهرت [[: [ندارد]		
محل اقامت [[: دروازه قزوین چهارسوق چوبی						محل اقامت [[: خیابان ناصریه		
شهر [ندارد]	محل [ندارد]	کوچه [ندارد]	شهر [ندارد]	محل [ندارد]	کوچه [ندارد]	شهر [ندارد]	محل [ندارد]	کوچه [ندارد]
وقت حضور به محکمه روز شنبه ۱۶ شهر محرم سنه ۱۳۳۶ سه ساعت به ظهر است [[: در صورت عدم حضور [[: محکمه موافق مفهوم فقره اولی از ماده (۴۵۶) مندرجه ظهر ورقه اقدام خواهد نمود [[: [[: محل مهر صلیحیه سنگلج [امضاء ناخوانا] [هامش:[: در موقع مقرر اطاعت می شود به تاریخ ششم محرم ۱۳۳۶ [امضاء:[: میرزا علی چهاردهم محرم رد شد [امضاء:[: یوسف مأمور								
مأمور احضار			تاریخ تبلیغ احضاریه			محل امضا گیرنده ورقه		

۱۳۸

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

[ظهر سند] [مهر:] دفتر صلیحیه سنگلج / کارتون ۸ دوسیه / نمره ۸-۴۲

[محل نشان شیروخورشید]

وزارت عدلیه

اخطاریه

تاریخ [::] ۸ شهر ذی حجه ۱۳۳۵

[برگ شمار عدلیه: ۸/۴۲]

از طرف محکمه صلح سنگلج

به آقا سید حسین [،] مدیر روزنامه جارچی ملت

ساکن محله [::] خیابان معزالسلطان

کوچه [::] [ندارد]

نمره خانه [::] [ندارد] اخطار می شود

که روز چهارشنبه ۲۳ شهر ذی حجه سنه ۱۳۳۵ دو ساعت به ظهر

محل حضور [::] در محکمه فوق الذکر

در خصوص تظلم حاجی میرزا حسن حاضر شوید [.] [امضاء ناخوانا] [محل مهر محکمه صلح سنگلج]

[هامش:] یازدهم ذی حجه تسلیم امر گردید [امضاء:] مرتضی خان

اطاعت می شود پنجشنبه نهم ذی حجه [امضاء:] سید حسین

تاریخ رؤیت ورقه [::]

محل امضاء [::]

مامور [::] مرتضی خان

[محل نشان شیروخورشید]

وزارت عدلیه

اخطاریه

تاریخ [۵ شهر ذی حجه ۱۳۳۶]

[برگ شمار عدلیه: ۸/۴۲]

از طرف محکمه صلح سنگلج

به آقا میرزا علی کتابفروش [۴] مدیر روزنامه جارچی ملت

ساکن محله [۳] خیابان ناصریه

کوچه [۲] [ندارد]

نمره خانه [۱] [ندارد] اخطار می شود

که روز یکشنبه ۸ شهر ذی حجه سنه ۱۳۳۶ دو ساعت به ظهر

محل حضور [۱] محکمه صلح سنگلج

در خصوص عمل حاجی میرزا حسن در ساعت مذکور جهت تحقیقات حضور بهم رسانید [۰] [امضاء ناخوانا] [محل مهر

محکمه صلح سنگلج]

[هامش: در ساعت مذکور حاضر می شوم [امضاء: میرزا علی

مامور [۱] مرتضی خان

محل امضاء [۱]

تاریخ رؤیت ورقه [۱]

بسمه تعالی

[برگ شمار

۸ شهر صفر ۱۳۳۶

عدليه: ۸/۲۴

خدمت با شرافت رياست محترم صلح سنگلج دامت افاضاته تعالی

در خصوص تظلم میرزا حسن رشديه از موکل این جانب (میرزا علی آقا) مدیر اداره جارچی ملت که پنج طغرا صورت حسابی از طرف موکل خود به محکمه تقدیم نمودم [۱] وکیل مدعی دو فقره از قبوض تقدیمیه را تصدیق نموده [۲]، بقیه را به عنوان اینکه به امضای شخص مدعی نیست قبول ننموده [۳] این اظهار وکیل مدعی بکلی بی اساس و بلامورد است [۴] زیرا ورقه مدرکیه مدعی سند شخصی نیست تا اینکه در مقابل [۵] امضا شخصی لازم باشد [۶] مدعی به عنوان اینکه مدیر مدرسه حیات جاوید بوده خود را صالح برای اقامه این دعوی دانسته و چنانچه ورقه مدرکیه ملاحظه شود [۷] به این عبارت نوشته شده [۸] (فلان مقدار کتاب از کتابخانه فلان مدرسه تحویل شد الی آخر). چون طرف اداره بوده [۹] در مقابل موکل بنده رسید از اداره گرفته [۱۰] و آن ورقه بزرگ که دارای مهر رسمی مدرسه می باشد به علاوه دارای امضای شخص پسر مدعی می باشد که در آن تاریخ پدر خود مداخلات تامه در امر مدرسه داشته به علاوه بر آن مقداری که مدعی مطالبات کتاب تحویل شده [۱۱] غرض این است مدعی سند شخصی از موکل من نداشته تا اینکه در مقابل [۱۲] قبض شخصی لازم باشد [۱۳] قبضی که در آن مهر رسمی مدرسه [است] دیگر حقی برای مدعی باقی نیست [۱۴] همان قیمتی که کتاب از مدرسه گرفته شد [۱۵] به همان قسم هم مقداری کتاب و مقداری نقد تحویل داده شده که باید حساب نموده مازاد آن را به موکل داعی رد نمایند و چنانچه دفتر مدرسه را ارائه دهند به خوبی معلوم خواهد شد و اینکه وکیل مدعی اظهار داشته که دو فقره قبض به آقا سید حسین محسوب شده [۱۶] اولاً یک نفر طرف نبوده [۱۷] تا اینکه با او محسوب دارد [۱۸] ثانیاً چنانچه با او حساب می نمود [۱۹] قبض در دست موکل بنده نباید باشد و چون آقا سید حسین طرف نیست با مدعی می باشد یا او چندان طرفیت ندارند و تظلم از مشارالیه بر حسب صورت بوده فقط مقصودش موکل داعی می باشد در صورتی که مطابق شرع و عرف و قوانین جاریه ابداً حقی به موکل داعی ندارند [۲۰] به علاوه موکل بنده مقدار زیادی طلبکار است که بعد از رسیدگی به حساب باید به موکل بنده بپردازد [۲۱] [امضاء ناخوانا]

تاریخ ۸ صفر

[ظهر سند: دفتر صلحیه سنگلج / کارتون ۸ / دوسیه / نمره ۱۳-۴۲]

[برگ شمار عدلیه: ۸/۴۲]

مقام محترم امین صلح سنگلج دامت افاضاته

در موضوع تظلم جناب حاج میرزا حسن رشدیه از میرزا علی و آسید حسین به مدعایه دویست و چهل تومان به موجب یک طغری ورقه مدرکیه ممهور به مهر مدعایلیهما و مصدق به تصدیق مشارالیهما که در مقابل این دعوی ثابت [،] وکیل میرزا علی پنج طغری ورقه [،] سه طغری صورت سیاهه و دو طغری حواله ارائه داده است [،] در محکمه اگر چه در جلسه محاکمه جواب گفته شد [،] لیکن برای توضیح مطلب عرضه می‌دارم سه طغری صورت سیاهه که ابدأ خط و امضایی از موکل بنده ندارد و به علاوه خط آن هم خط آقاسیدحسین [،] شریک میرزا علی است و مهری را که پاسخ دفتر مدرسه حیوه جاوید پشت یکی از آن اوراق زده شده است ابدأ مدرسه حیوه جاوید چنین مهری نداشته و آن مهر را جهت شخص آقاسیدحسین خریده و پای آن ورقه زده است و ابدأ موکل بنده اطلاعی از آن مهر ندارد و قابل توجه نیست و در خصوص دو فقره حواله [،] اگر چه هر دو ورقه خط و امضا موکل بنده است ولی یک فقره آن که حواله کتاب است چون ظهر آن مهر آقاسیدمحمد را دارد معلوم می‌شود به آسید محمد رسیده و با موکل بنده حساب شده و به همین نقطه نظر معادل سیصد تومان قیمت کتاب بوده و دویست و چهل تومان مطالبه شده و همچنین حواله کاغذ به میرزاغلامعلی که مخاطب شخص آقاسیدحسین بوده اولاً عمل کاغذ ربطی به کتاب ندارد که موکل بنده از مشارالیهما طلب کار بوده و ثانیاً از حواله دادن آقاسیدحسین به میرزا علی که میرزا علی پول به میرزاغلامعلی بدهد معلوم می‌شود که طرف شخص آقاسیدحسین بوده و آقاسیدحسین به حاج میرزا حسن بدهکار بوده و آقاسیدحسین حواله به میرزا علی شریک خود داده این هم در صورتی که میرزا علی به میرزاغلامعلی حسب الحواله آقاسیدحسین چیزی داده باشد ربطی به موکل بنده ندارد و میرزا علی باید رجوع به آقاسیدحسین بکند و بر فرض اینکه کاغذ هیچ پای موکل بنده محسوب شود باز معادل شصت تومان نمی‌شود با کتب حواله آقاسیدمحمد که موکل بنده از قیمت کتب کسر گذاشته [،] بنابر عرایض فوق گمان ندارم دیگر مانع برای صدور حکم بر حقانیت موکل بنده برای محکمه باشد و تقاضا می‌نمایم اولاً قرار تأمین مدعایه و ثانیاً حکم صادرگردد بر عین کتب مطابق ورقه مدرکیه [،] شیخ محمدتقی [،] وکیل حاج میرزا حسن [،] شنبه ۸ صفر ۱۳۳۶

[هامش:] اداره دفتر لف دوسیه ضبط و دوسیه ارسال شود [،] ۸ صفر ۱۳۳۶

[ظهر سند:] [مهر:] دفتر صلحیه سنگلج/کارتون ۸ دوسیه / نمره ۱۲-۴۲

۱۴۲

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

[محل الصاق تمبر عدلیه]

بسمه تعالی

ان الله يامر بالعدل والاحسان

[نشان شیروخورشید]

بنام مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی کل ممالک محروسه ایران خداالله ملکه و سلطانه

دیوانخانه عدلیه

محکمه [:] صلحیه سنگلج شعبه [:] [ندارد]

تاریخ [:] ۵ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۳۶

حکم نمرة ۴۲۹/۳۹۵

در تاریخ ۱۲ شوال ۳۵ حاج میرزا حسن به شرح عرض حال رسمی مبلغ دویست و چهل تومان از آقامیرزا علی و آقاسید حسین متظلم گردید که مشارالیهما مطابق یک طغرا صورت که ضمیمه عرض حال تقدیم می شود کتاب گرفته اند که به فروش رسانیده وجه آن را برسانند تا این تاریخ نه وجه را داده اند و نه کتب را [۱]. تقاضای رسیدگی نموده [۲]، محکمه پس از احضار مدعی علیه و حضور وکلای طرفین در محکمه (آقاشیخ محمد تقی [۳]، وکیل مدعی و مدیرالاسلام [۴]، وکیل آقامیرزا علی) و مذاکرات مندرجه در دوسیه در تاریخ چهارم ربیع الاول محکمه چنین رأی می دهد [۵]:

به موجب ورقه مدرکیه مدعی مورخه غره ذی حجه ۲۸ که مفادش به امضاء مدعی علیهما است و به موجب تصدیق وزارت معارف و اوقاف که صلاحیت مدعی را در اقامه دعوا نسبت به مدعی علیهما به موجب شق سوم از ماده ۲۸۲ محرز می دارد [۶]؛ و نظر به اینکه مدعی علیهما اعتراف به صحت ورقه مدرکیه نموده اند و اگرچه آقاسید حسین پس از اعتراف به صحت امضاء خود اعتراف نموده و دفاعی نسبت به دعوا نکرده [۷]؛ لکن چون مدعی دعوای خود را نسبت به مشارالیه ترک نموده نصف از مدعی به که سهم آقاسید حسین است [۸]، فعلاً مورد رأی نیست و نسبت به میرزا علی که وکیل مشارالیه [۹]، پنج طغرا قبض صورت و حواله در جواب دعوای مدعی به محکمه تقدیم داشته و وکیل مدعی دفاع خود را به طوری که در دوسیه و لوائح کتبی مضبوط است نسبت به اوراق ابرازیه بیان نموده چون وکیل مدعی اظهار کرده سه ورقه از اوراق ابرازیه مدعی علیه امضائی از مدعی ندارد در مقابل [۱۰]، دعوا مدعی منشأ اثر نیست و دو ورقه دیگر که به امضاء مدعی می باشد از طرف وکیل مدعی تصدیق شده چون عنوان هر دو خطاب به آقاسید حسین است نسبت به آقاسید حسین و میرزا علی اکبر کاغذی به میرزا غلامعلی داده باشند [۱۱]، بایستی محاسبه نمایند و نسبت به ورقه نوزدهم ربیع الثانی ۲۹ که حاکی است از این که پنجاه جلد تبصره الصبیان تقدیم آقاسید محمد کمره ای نموده و ظهر آن امضا آقاسید محمد است بایستی این مقدار (پنجاه جلد تبصره) از صورت مدرکه کسر شود [۱۲]، لذا آقامیرزا علی محکوم است به اینکه [۱۳] نصف از صورت کتب را مابقی پنجاه جلد تبصره عیناً به مدعی تادیه نماید و در صورت فقدان عین باید قیمت آنرا تادیه نماید [۱۴]. حکم صادره در مدت ۲۱ روز قابل استیناف است [۱۵]. استعاده تمیزی در صورتی ممکن است که در مدت مقرر استیناف داده باشد [۱۶]. تاریخ چهارم ربیع الاول سی و شش ۱۳۳۶ [امضاء ناخوانا] و به موجب لایحه تقاضائیه مدعی که نسبت به میرزا سید حسین نیز تقاضای رأی نموده رأی محکمه بر این است [۱۷]: نسبت به دعوای حاجی میرزا حسن بر میرزا سید حسین به موجب اسناد و ادله دفاعیات مذکوره در دوسیه بر آن است که آقاسید حسین محکوم است عین نصف از مدعی به را در وجه مدعی تادیه نماید و در صورت فقدان عین قیمتش را باید تادیه نماید [۱۸]. تاریخ ۸ ربیع الاول سی و شش [مهر صلحیه سنگلج] [امضاء ناخوانا]

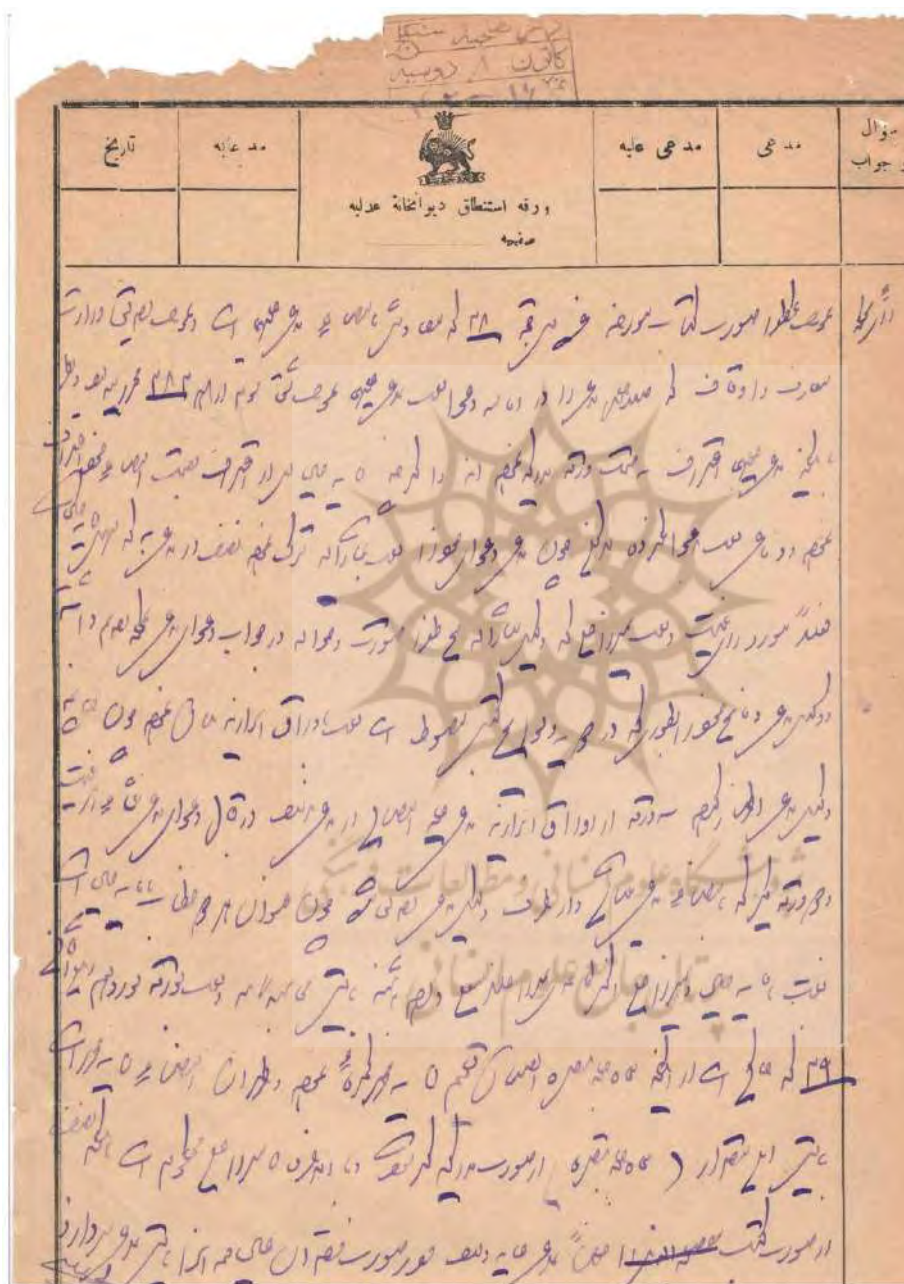
[هامش:]

ملاحظه شد استیناف داده می شود [۱۹]. ۲۳ ربیع الاول ۱۳۳۶ [امضا و مهر ناخوانا]

خودم شخصاً با آقای حاج مدیر اصلاح کرده ام و عملش را ختم نمودم ۲۷ ربیع الاول سنه ۳۶ [مهر و امضای سید حسین]

بیست و سیم ربیع الاول رؤیت شد [ادامه جمله ناخوانا]

[ظهر سند:] [مهر:] دفتر صلحیه سنگلج / کارتون ۸ دوسیه / نمرة ۴۲-۱۷



۱۴۴

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

تصویر ۱. نمونه‌ای از ورقه استنطاق یا بازجویی

فرم ۱۲۷۵ | تاریخ ۲۹ مرداد ۱۲۸۵

محکمہ صیغہ شیعہ لکھنؤ

ورقه احضاریہ حقوق

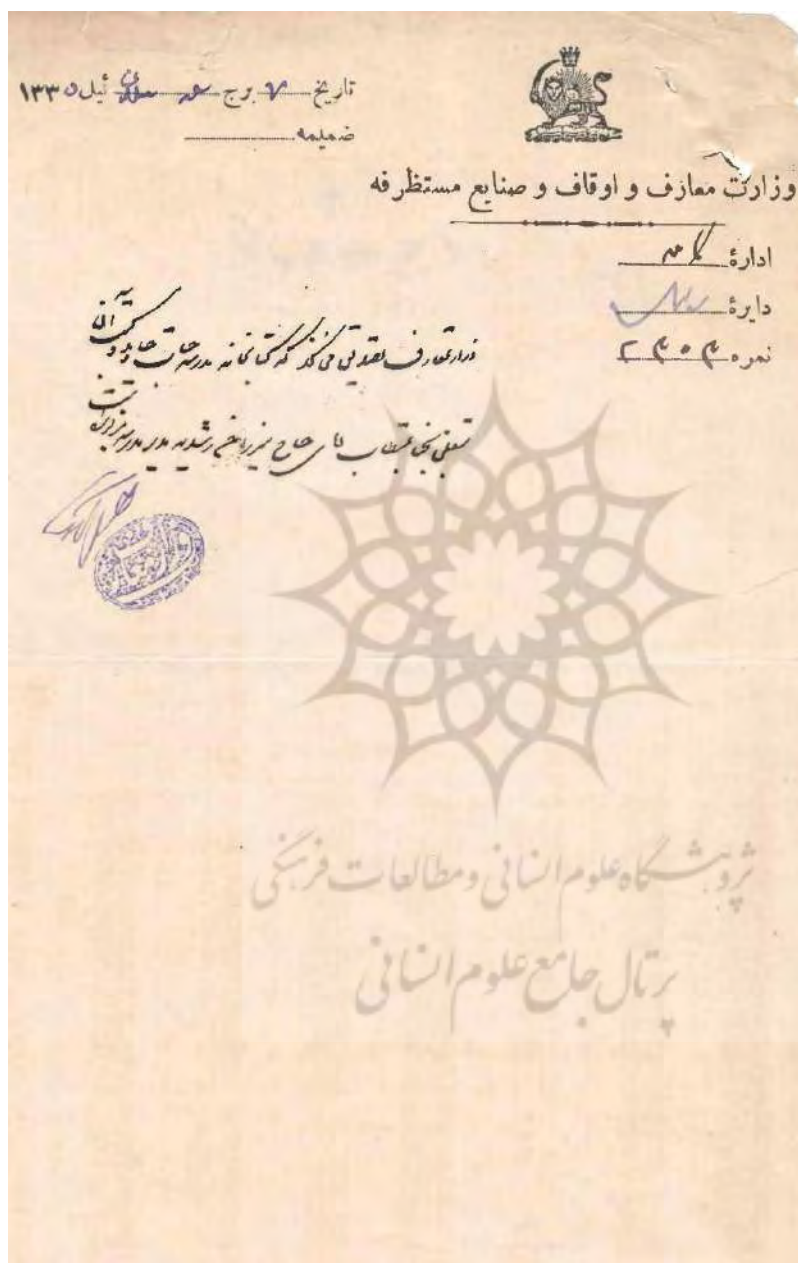
مدعی علیہ	مدعی علیه	مدعی
اسم لائیکہ علیہ	شرح عرض حال و موضوع ادعا	اسم جانیہ علیہ
شغل ازراہہ علیہ		شغل علیہ
شہرت		شہرت
محل اقامت علیہ		محل اقامت علیہ
شہر		شہر
محل کرجہ		محل کرجہ

وقت حضور بمحکمہ رو بہ شہر - سنہ ۱۲۸۵ - ۲۳ شعبان ۱۲۸۵

بمحکمہ موافق مفہوم فقرہ اولی از مادہ ۵۵۶ مندرجہ ظاہر ورقه اقدام خواہند نمود

اسم امور احضار | تاریخ تبلغ احضاریہ | محل امضای کچرندہ ورقه

تصویر ۲. نمونه‌ای از احضاریہ دادگاہ خطاب بہ رشديه



۱۴۶

آینه پژوهش | ۲۱۲
سال ۳۶ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۴

تصویر ۳. گواهی وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه مبنی بر این که کتاب‌های مدرسه حیات جاوید به رشديه تعلق دارند.

تصویر ۴. فهرست کتاب‌های امانتی رشدیه جهت فروش

ردیف	عنوان کتاب	نویسنده	تعداد	قیمت واحد	قیمت کل
۱	کتاب...	...	...	...	...
۲	کتاب...	...	...	...	...
۳	کتاب...	...	...	...	...
۴	کتاب...	...	...	...	...
۵	کتاب...	...	...	...	...
۶	کتاب...	...	...	...	...
۷	کتاب...	...	...	...	...
۸	کتاب...	...	...	...	...
۹	کتاب...	...	...	...	...
۱۰	کتاب...	...	...	...	...
۱۱	کتاب...	...	...	...	...
۱۲	کتاب...	...	...	...	...
۱۳	کتاب...	...	...	...	...
۱۴	کتاب...	...	...	...	...
۱۵	کتاب...	...	...	...	...
۱۶	کتاب...	...	...	...	...
۱۷	کتاب...	...	...	...	...
۱۸	کتاب...	...	...	...	...
۱۹	کتاب...	...	...	...	...
۲۰	کتاب...	...	...	...	...
۲۱	کتاب...	...	...	...	...
۲۲	کتاب...	...	...	...	...
۲۳	کتاب...	...	...	...	...
۲۴	کتاب...	...	...	...	...
۲۵	کتاب...	...	...	...	...
۲۶	کتاب...	...	...	...	...
۲۷	کتاب...	...	...	...	...
۲۸	کتاب...	...	...	...	...
۲۹	کتاب...	...	...	...	...
۳۰	کتاب...	...	...	...	...
۳۱	کتاب...	...	...	...	...
۳۲	کتاب...	...	...	...	...
۳۳	کتاب...	...	...	...	...
۳۴	کتاب...	...	...	...	...
۳۵	کتاب...	...	...	...	...
۳۶	کتاب...	...	...	...	...
۳۷	کتاب...	...	...	...	...
۳۸	کتاب...	...	...	...	...
۳۹	کتاب...	...	...	...	...
۴۰	کتاب...	...	...	...	...
۴۱	کتاب...	...	...	...	...
۴۲	کتاب...	...	...	...	...
۴۳	کتاب...	...	...	...	...
۴۴	کتاب...	...	...	...	...
۴۵	کتاب...	...	...	...	...
۴۶	کتاب...	...	...	...	...
۴۷	کتاب...	...	...	...	...
۴۸	کتاب...	...	...	...	...
۴۹	کتاب...	...	...	...	...
۵۰	کتاب...	...	...	...	...

تصویر ۴. فهرست کتاب‌های امانتی رشدیه جهت فروش

